RISK DOCTOR BRIEFING



ده افسانه برتر ریسک

© June 2015, Dr David Hillson *FIRM, HonFAPM, PMI Fellow*

david@risk-doctor.com

افسانه ها به ما کمک می کنند تا عدم قطعیتی که ما را در بر گرفته درک کنیم. در دنیای کسب و کار و پروژه ها، مدیریت ریسک همان نقش را ایفا می کند. متاسفانه درباره مدیریت ریسک هم افسانه هایی وجود دارد. برخی از آنها تا حدودی درست اند ولی واقعیت را نشان نمی دهند. اینجا ده افسانه برتر ریسک و روش روبرو شدن با آنها ارائه می شوند:

افسانه 1: همه ریسک ها بد هستند. ریسک ها مشکلات بالقوه اند، و اگر روی دهند ما در دردسر می افتیم.

- *ریسک هم فرصت ها و هم تهدیدها را شامل می شود، و هر دو باید پیشاپیش مدیریت شوند. فرصت ها می توانند زمان و پول را ذخیره کنند، عملکرد را ارتقا دهند و ما را در دستیابی به اهداف کمک نمایند.*

افسانه 2: مدیریت ریسک اتلاف وقت است. بیشتر ریسک ها خارج از کنترل ما هستند و کنترل پیشاپیش آنها غیرممکن است. در عوض ما باید با مشکلات، بعد از روی دادنشان کنار بیاییم.

- *اگر ما به طور اثربخش با ریسک کنار بیاییم، آنگاه مشکلات زیادی برای مهار کردن نداریم.*

افسانه 3: چیزی که نمی دانیم به ما آسیبی نمی رساند. ممکن است ما خوش شانس باشیم و ریسک اثری بر ما نگذارد. فراموشی نعمت است!

- *ریسک ها می توانند به ما، کسب و کارمان یا پروژه مان آسیب برسانند. مشکلات قابل اجتناب، روی خواهد داد و منافعی که می توانست به چنگ آورده شود، از دست می رود. ندانستن ریسک می تواند هزینه زیادی داشته باشد.*

افسانه 4: مدیر ریسک، ریسک را مدیریت می کند. ما نیازی به مدیریت نمودن ریسک ندارم- ما مدیر ریسک داریم.

- *هر عضوی از تیم باید یک "مدیر ریسک" باشد که ریسک هایی که محدوده مسوولیت او را تحت تاثیر قرار می دهد، مهار نماید. مدیر ریسک باید فرآیند ریسک را تسهیل نماید تا مطمئن شود که اثربخش است.*

افسانه 5: همه ریسک ها می توانند و باید اجتناب شوند. ما هر کاری که ما را مطمئن سازد ریسک روی نخواهد داد انجام خواهیم داد و هزینه و تلاشی که باید انجام دهیم مهم نیست.

- *همه ریسک ها نمی توانند اجتناب شوند و گاهی اجتناب خیلی گران است یا خیلی طول می کشد، بنابراین استراتژی دیگری مورد نیاز است، مانند انتقال، کاهش یا پذیرش.*

افسانه 6: کسب و کار یا پروژه ما ریسکی نیست. نبود ریسک نشانه موفقیت است. ریسکی که روی می دهد باید هر چه سریع تر از بین برود.

- *ریسک در همه کسب و کارها و پروژه ها ایجاد می شود و مرتبط با پاداش و عایدی است، به طوری که ما سعی می کنیم ریسک را جهت افزایش ارزش تسخیر کنیم.*

افسانه 7: مدیریت ریسک نیازمند اعداد است. تنها واکاوی کمی ریسک می تواند سطح درستی از شدت ریسک را نشان دهد.

- *واکاوی کمی ریسک [ابزار] قدرتمندی است، ولی اغلب از نظر اثربخشی هزینه ای ندارد. همچنین بسیاری از ریسک ها نمی توانند کمی شوند، بنابراین رویکرد کیفی همواره مورد نیاز است.*

افسانه 8: ریسک ها با فرآیندهای کنونی پوشش داده می شوند. ما فرآیندهایی برای کنار آمدن با همه ریسک های رایجمان داریم، بنابراین نیاز به مدیریت ریسک نداریم.

- *درباره ریسک هایی که تا کنون تجربه نکرده ایم چه؟ فرآیند ریسک باید ریسک های جدید را شناسایی نماید، اهمیت آنها را ارزیابی نماید و پاسخ ها را طراحی نماید.*

افسانه 9: ذخیره احتیاطی برای افراد ضعیف است. مدیر قوی همه اهداف را برآورده می سازد، و نیازی به زمان و هزینه اضافه برای چیزهایی که ممکن است هیچ وقت روی ندهند، ندارد.

- *هیچ کس نمی تواند آینده را پیش بینی کند و در نظر گرفتن بودجه ریسک برای ریسک های شناخته شده و ذخیره احتیاطی برای ریسک های پیش بینی نشده نشانه خردمندی است نه ضعف.*

افسانه 10: مدیریت ریسک به درد نمی خورد. ریسک هایی که ما شناسایی کرده ایم هرگز روی نمی دهند و پاسخ های ما تفاوتی ایجاد نمی کنند، پس تسلیم می شویم.

- *شاید ریسک های واقعی را فراموش کرده ایم، پاسخ های ناکارا داشته ایم، یا در اجرای واکنش های توافقی شکست خورده ایم. با اجرای درست، مدیریت ریسک همواره به درد می خورد.*

مهار نمودن این ده افسانه و اجرای راه حل های پیشنهادی ایجاد اطمینان می کند که مدیریت ریسک شما بر مبنای واقعیت استوار شده است و به شما بهترین شانس را برای موفقیت می دهد.